

# اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار در ژنو

متن گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید

صفحه ۲



## رضا پهلوی و رویاهای دست نیافتنی کاظم نیکخواه

صفحه ۵

این طرح شما شکست خورد!  
حجاب سمبل بی حقوقی زن است!  
(گزارشی در باره شکست نمایشگاه نقاب)  
نسرین رمضانعلی

صفحه ۶

## گزارش از سخنرانی مینا احدی در شهر گوتینگن آلمان سیامک زارغ

صفحه ۷

حزب چپ سوئیس نیز به قطعنامه ما  
علیه جمهوری اسلامی پیوست  
(کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران)

صفحه ۸

ترور سامان دانشور توسط  
"پژاک" را قویا محکوم میکنیم!  
(کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران)

صفحه ۹

بمباران مردم توسط ارتش ترکیه  
را بشدت محکوم میکنیم

صفحه ۹

## فراخوان:

من یک زن هستم، در زندانی به وسعت ایران، من هم شکنجه شدم  
اعلام دادخواهی و کیفرخواست زنان ایران علیه چهل سال شکنجه، بیحقوقی،  
آزار و اذیت جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومتی

صفحه ۱۰

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۲۲

جمعه ۷ تیر ۱۳۹۸، ۲۸ ژوئن ۲۰۱۹

## شکست سخت اردوغان در انتخابات شهرداریهای ترکیه خلیل کیوان



انتخابات شهرداریهای ترکیه از این نظر با اهمیت است که روندهای سیاسی، موقعیت احزاب و نیروهای سیاسی و مهمتر از آن، جهت حرکت جامعه را بنمایش میگذارد. این انتخابات یک سنجش عمومی و یک رفراندوم در باره سیاست های کلان کشوری و حزب حاکم نیز هست.

مارس سال جاری برگزار گردید ضربه سنگینی برای حزب حاکم عدالت و توسعه و شخص اردوغان بود. مخالفین وی در شهرهای کلیدی و بزرگ آنکارا، استانبول، ازمیر آنتالیا و آدانا پیروز شدند و به این ترتیب سکان هدایت شهرداریها در مراکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه را بدست گرفتند.

شکست اردوغان و حزب حاکم در انتخابات شهرداری استانبول جنبه نمادین هم دارد. گفته میشود که هر کس انتخابات شهرداری استانبول را برنده شود، در روندهای سیاسی دیگر نیز برنده خواهد بود. از اینروست که اردوغان ادامه در صفحه ۷

مارش اردوغان بسوی کاخ ریاست جمهوری از شهرداری استانبول آغاز گردید. وی برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ در انتخابات شهرداری کاندید شد و در منطقه بی اوغلو (منطقه‌ای که میدان تقسیم در آن قرار دارد) پیروز شد. در انتخابات شهرداری استانبول در سال ۱۹۸۹ شکست خورد و بلاخره در سال ۱۹۹۴ با کسب حدود ۲۵ درصد آرا، شهرداری استانبول را تسخیر کرد و آنرا سکوی پرش خود قرار داد. نتایج انتخابات شهرداریهای ترکیه که در ماه

## معرفی کتاب

از گروه فشار تا حزب سیاسی  
مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از منصور حکمت

صفحه ۱۲

## اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار در ژنو متن گفتگوبا شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید



عکس هایی از کارگران زندانی از جمله عکس اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده و معلمان زندانی را بدست گرفتیم و با استقبال خوبی روبرو شد. عکس های بسیاری از بنرهایمان گرفته شد و نمایندگانی از کارگران شرکت کننده در اجلاس آی ال او که در محل حضور داشتند، با عکس گرفتن در زیر بنرهای ما اعلام حمایت میکردند. همچنین اطلاعیه های ما در همین رابطه وسیعاً در میان جمعیت پخش شد.

بعد از این روز در بیستم ژوئن با مسئول شورای حقوق بشر سازمان ملل و نیز با مسئولین حزب چپ سولیدارته سوئیس در شهر ژنو دیدار داشتیم. در این دیدارها پوשה های حاوی اطلاعیه های خود و قطعنامه "فری دم ناو" را به آنها ارائه دادیم. از حزب چپ سولیدارته خواستارامضای قطعنامه "فری دم ناو" شدیم. در این دیدارها بر ادامه تماسها تاکید شد. بالاخره اینکه در روز بیست و یکم ژوئن آکسیون دیگری مقابل اجلاس "آی ال او" برگزار کردیم که اساساً در همبستگی با روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران بود که توسط کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شده است. در این آکسیون جوزف ظاهر از رهبری حزب سولیدارته چپ نیز شرکت کرد و خطاب به کارگران و مردم ایران پیام گرمی داد. همچنین چاندان کومار نماینده شرکت کننده در اجلاس سازمان جهانی کار از کشور هند طی پیامی خطاب به کارگران و مردم ایران حمایت خود را از حزب کمونیست کارگری ایران اعلام داشت و همانجا ناصر کشکولی، شهرام نجفی دو

ادامه در صفحه ۳

اتحادیه های بین المللی کارگر در دفاع از حقوق بنیادی کارگران در سراسر جهان اعلام شده بود. شارون بارون دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ( آی. تی. یو. سی) آکساندرو پیدیزاری از اتحادیه کارگران سوئیس ( یو. ا. آ. آی. آ)، استفان کاتون فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ( آی تی اف) از جمله سخنرانان این تجمع اعتراضی کارگری بودند. در مسیر راه کارگران سرود انترناسیونال خواندند و خواستههایشان را بصورت شعار فریاد زدند. ما به صف این اعتراض پیوستیم. همچنین با مسئولین این حرکت اعتراضی تماس گرفتیم. پوשה ای که حاوی آخرین گزارشات از وضع کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی در ایران بود همراه با قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تاکید بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را به آنها ارائه دادیم. این پوשה در اختیار برگزار کننده آکسیون قبلی نیز قرار گرفته بود. در این حرکت اعتراضی جمعیت زیادی در خیابانهای شهر ژنو راهپیمایی کردند و ما در بخش پایانی راهپیمایی به صف آنها پیوستیم و در میدان مقابل اجلاس سازمان جهانی کار جمع شدیم. جمعیتی بیش از هزار نفر در آنجا بودند. بنر بزرگی که رویش نوشته شده بود "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود" را همراه با

در این آکسیونها شرکت داشتیم. تظاهرات اول به دعوت معلمان آمریکا و فدراسیون بین المللی معلمان با عنوان صدای فرزندان خود باشیم و در اعتراض به سیاست فاشیستی ترامپ مبنی بر دستگیری پناهندگان در مرز آمریکا و جدا کردن کودکان از خانواده هایشان برگزار شده بود. ما با معرفی خود به مسئولین آن و با برتن کردن تی شرتی که آنها به همین مناسبت تهیه کرده بود و بدست گرفتن عکس هایی از کودکانی که قربانی سیاست فاشیستی ترامپ شده اند، همبستگی خود را با آنان اعلام داشتیم. در عین حال با توافق آنان پوسترهایی از کارگران زندانی و بنر اعتراضی به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار را بدست گرفتیم. این حرکت ما توجه بسیاری را بخود جلب کرد و تعدادی از نمایندگان کارگری شرکت کننده در اجلاس سازمان جهانی کار که به این آکسیون اعتراضی آمده بودند، به نزد ما آمدند و عکس گرفتند و اعلام حمایت میکردند.

از جمله در نمونه هایی چون مراکش، کنیا، نیجریه و تایلند با پیامهای گرم خود با کارگران در ایران اعلام همبستگی کردند. آکسیون دوم در این روز از سوی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در فرانسه (س ژت) و اتحادیه سراسری کارگران در سوئیس (س ژ آ اس) و حمایت آی تی یو سی و دیگر

بخشی از زندان اعلام شد و خواست آن لغو تمامی احکام امنیتی برای فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی بود و به احکام زندان و شلاق علیه فعالین کارگری و معلمان اعتراض داشت. قطعنامه ما در این رابطه از سوی چندین کنفدراسیون اتحادیه ای در کانادا، استرالیا و عراق امضاء شد و اتحادیه های کارگری نروژ و پست کانادا نیز حمایت خود را از مضمون آن اعلام داشتند. ما با پشتوانه این حمایت ها و با همراه داشتن نامه هایی که از ایران در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار داده شده بود، از جمله ترجمه انگلیسی نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به اتحادیه های آی تی یو سی و نامه های سرگشاده شورای بازنشستگان ایران و جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، برنامه های اعتراضی خود در مقابل یکصدمین اجلاس سازمان جهانی کار را تدارک دیدیم.

ما مجموعه این نوشته ها را همراه با اطلاعیه ای تحت عنوان "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود" و بنر برجسته و بزرگی با همین مضمون و عکس هایی از کارگران زندانی و معلمان در بند در دو آکسیون اعتراضی در روزهای 17 و 21 ژوئن در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار همراه داشتیم. هیئت ما تشکیل میشد از شهلا دانشفر، کاظم نیکخواه، محمد شکوهی، ناصر کشکولی، شهرام نجفی، بهنام نجفی و فرهاد رمضانعلی که

روزهای ۱۷ تا ۲۱ ژوئن آکسیونهایی مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو به فراخوان نهاد "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" (FTN) برگزار شد و فعالیتهای دیگری نیز در این زمینه از جانب کمپین برای آزادی کارگران زندانی و فعالین حزب کمونیست کارگری صورت گرفت که گزارشات آن در رسانه های مختلف از جمله کانال جدید منتشر شد. اینجا گفتگویی داریم با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر در مورد این حرکتها و اعتراضی و فعالیتهایی که در این رابطه در ژنو صورت گرفت:

**سیما بهاری:** گزارشهایی که این هفته منتشر شد نشان میدهد که شما هفته پربراری داشتید و فعالیتهای هیجان انگیز و جالبی را به پیش بردید. اگر ممکن است قبل از اینکه وارد سوالات مشخصتری شوم بگویید که چه کردید و کجا بودید و این فعالیتهای چه بودند؟

**شهلا دانشفر:** بله هفته پر بار و جالبی بود. ما از ماه آوریل تدارک این هفته اعتراضی در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار را دیدیم. برنامه کارمان را با قطعنامه در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در این سازمان شروع کردیم. رئیس اصلی بندهای این قطعنامه عبارت بودند از: دفاع از کیفرخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و زندان، اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات، (کارزاری که اول بار توسط جعفر عظیم زاده و اسماعیل

از صفحه ۲

**اعتراض به حضور ...**

عضو هیات فوری دم ناو و حزب کمونیست کارگری پیامهای پرشوری دادند. کاظم نیکخواه، شهلا دانشفر، محمد شکوهی و جمشید پوران پور سخنرانان این آکسیون اعتراضی بودند که به زبانهای انگلیسی، فارسی، آلمانی و فرانسوی سخنرانی کردند. جمشید پوران پور به نمایندگی از سندیکای کارگران خدمات عمومی در ژنو در سخنرانی خود ضمن اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او، بر آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید کرد. همبستگی های حاضرین در محل با کارگران و مردم ایران و با حرکت اعتراضی ما بسیار شورانگیز بود.

**سیما بهاری:** کاظم نیکخواه شهلا دانشفر توضیحاتی از یک هفته اعتراض در ژنو را داد، اگر نکته تکمیلی دارید میتوانید بگویید، تا من سوال بعدی را از شما بپرسم؟

**کاظم نیکخواه:** توضیحات داده شد. من فقط میخواهم تاکید کنم که هفته بسیار جالبی بود. هفته بسیار پرشوری بود. و همه جا میشد بازتاب مبارزات کارگران در ایران را در میان کسانی که در برابر سازمان جهانی کار از کشورهای مختلف بودند، دید و اعلام همبستگی هایشان برای من بسیار جالب و شورانگیز و شغف انگیز بود.

سیما بهاری: با توجه به اینکه این نوع فعالیت ها برای اولین بار نبوده که چه از جانب کمپین برای آزادی کارگران زندانی و چه حزب کمونیست کارگری صورت میگیرد، مقداری توضیح دهید که

هدفی که دنبال میکنید چیست و به چه اعتراض دارید؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

کاظم نیکخواه: اعتراض ما روشن است. تا آنجا که به کمپین برای آزادی کارگران زندانی مربوط میشود، اعتراض ما به زندانی کردن کارگران و به پایمال شدن حقوق کارگران و مردم در ایران است. اما اهداف دراز مدت ما همان اهدافی است که کارگران و مردم در ایران دارند، یعنی دستیابی به آزادی، رفاه، منزلت، خلاص شدن از سرکوب و زندان و فضای غیر قابل تحملی که در ایران وجود دارد. برای رسیدن به این هدف روشن است که جمهوری اسلامی که مسبب کل این اوضاع است باید از سر راه زندگی مردم کنار زده شود یعنی سرنگون شود. این هدف دراز مدت ماست و همه کارگران و مردم نیز هدفشان همین است. در این راستا اهداف فوری ما اینست که صدای اعتراض کارگران زندانی را بازتاب خواستهایشان را بازتاب بدهیم. همبستگی بین المللی کارگران و مردم را نسبت به کارگران زندانی و کلا خواستهای همه مردم در ایران جلب کنیم. از این زاویه

نیز اگر نگاه کنیم، همانطور که اشاره کردم ما در این هفته با سخنرانی ها، با افشاجاری ها، با پخش اعلامیه ها و با بیانیه هایی که داشتیم و پلاکاردهایی که داشتیم این هدف را به نظر من تا حد زیادی متحقق کردیم. یعنی میشد این را کاملا احساس کرد و بازتاب آنرا در پیامهایی که نمایندگان کارگری و نمایندگان اتحادیه ها میدادند میشد دید که انگار کارگران در ایران را می بینند و نفرت خود را از جمهوری اسلامی اعلام

میکردند. این فضا به نظر من تأثیر خوبی در تقویت مبارزات کارگران در ایران خواهد داشت.

**سیما بهاری:** بالاخره این حرکت اتفاق افتاد یک هفته پرشور را شما پشت سر گذاشتید، علاوه بر این شما فعالیت های دیگری نیز در همین زمینه و در همین راستا انجام میدید، چقدر به هدفتان رسیدید و چقدر نزدیک شدید به بهرحال فکر میکنید تأثیر و نتیجه این نوع اکسیونها و فعالیتها چیست؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که کاظم نیکخواه در صحبت هایش اشاره کرد، هدف استراتژیک ما سرنگونی جمهوری اسلامی است و یک معنای این سرنگونی بیرون انداختن جمهوری اسلامی از مراجع بین المللی است. بنابراین میتوانم بگویم در این جهت ما قدم مهمی به جلو برداشته ایم. از نظر ما همان برخوردی که به رژیم آرتااید نژادی در سطح بین المللی شد، باید به جمهوری اسلامی این رژیم آرتااید جنسی، فاشیست، ضد کارگر، ضد بشر و جنایتکار بشود. بنابراین نتیجه فوری این نوع اکسیونها و فعالیتها جلو بردن این گفتمان در سطح بین المللی است. این گفتمان الان بدرجه زیادی جای خود را باز کرده است. تا همین جا هر نماینده از آی ال او که می آمد و در صف ما قرار میگرفت بر این اعتراض تاکید میگذاشت. بطور مثال قبلا باید این موضوع را کلی توضیح میدادیم. اما الان رژیم اسلامی و جنایتهایش برای همه شناخته شده است و میدانند که در ایران چه میگردد. نفس اینکه اتحادیه های کارگری بزرگی در استرالیا، کانادا، عراق، می آیند و قطعنامه ما

علیه حضور جمهوری اسلامی را امضا میکنند و بسیاری از اتحادیه های دیگر تمایل خود را با مفاد آن و این خواست اعلام میکنند، یک پیشروی بزرگ برای این کمپین، برای جنبش کارگری و برای مبارزات مردم در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. این فعالیت ها همچنین در داخل ایران انعکاس خوبی داشته است. این گفتمان ها در میان کارگران در ایران جریان پیدا کرده است. از جمله بیانیه های اعتراضی آنان به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او و تلاشی که برای جهانی شدن صدای اعتراضشان انجام میدهند، نشانه هایی از این حقیقت است. بعلاوه ما تلاش کرده ایم که به سهم خود جنبش کارگری در ایران را در سطح جهانی معرفی کنیم. الان سراغ هر کس که میرویم و از اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، معلمان زندانی صحبت میکنی، برایشان معرفی است. از همین رو امروز ما در جلب همبستگی جهانی سریعتر میتوانیم پاسخ بگیریم و این فعالیت ها راه را برای ما هموار تر کرده است.

**سیما بهاری:** شهلا دانشفر در بخش اول صحبت ها به گوشه هایی از ملاقات هایی که داشته اید اشاره کرد، اگر ممکن است توضیحات بیشتری از این دیدار ها بدهید. گفتید با یک سازمان چپ و همچنین با شورای حقوق بشر سازمان ملل ملاقات داشته اید. چه بحثهایی داشتید و چه جوابی گرفتید؟

**کاظم نیکخواه:** اول بگذارید اشاره کنم که ما از سازمان جهانی کار و یا سازمان ملل و حقوق بشرش انتظارات عجیبی نداریم.

میدانیم که اینها نهادهایی اساسا در خدمت قدرتهای سرمایه داری هستند. هدف ما اساسا یک نوع فشار گذاشتن بر روی آنهاست برای اینکه کمتر با جمهوری اسلامی مامشات کنند. ما میخواهیم کاری کنیم که اینها ناچار شوند جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دهند. و این کار را توانسته ایم بدرجه ای انجام دهیم. در ملاقاتمان با مسئول شورای حقوق بشر سازمان ملل، همانطور که شهلا دانشفر اشاره کرد، نکات قطعنامه ای را که داشتیم مورد تاکید قرار دادیم. از این که چه فشار هایی بر روی کارگران زندانی وارد میشود صحبت کردیم. مشخصا از اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، سپیده قلیان، آتنا دائمی، معلمان زندانی و زندانیان سیاسی اسم بردیم. از اینکه ابتدایی ترین حقوق کارگران در ایران از جمله حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع و ... پایمال میشود صحبت کردیم. این گفته مورد تایید مسئول حقوق بشر سازمان ملل بود و پاسخی که گرفتیم این بود که به ما گفتند کاری که میتوانند بکنند اینست که نکات مورد تاکید ما را در گزارش دبیر کل شورای حقوق بشر بازتاب دهند. و این فشارها و گزارشات سالانه این نهاد معمولا فشار جدی ای روی جمهوری اسلامی میگذارد. آنها همچنین به ما اعلام کردند که تلاش خواهند کرد که با کمپین ما در ارتباط باشند و از ما خواستند که مرتبا اطلاعات را در اختیارشان قرار دهیم. این مضمون صحبت های ما با شورای حقوق بشر بود. مسئولین حزب چپ سولیداریته که حزبی ضد

از صفحه ۳

**اعتراض به حضور ...**

کاپیتالیست هستند، خودشان را به ما نزدیک میدانستند. خود را با اهداف و مبارزات کارگران در ایران هم جهت میدیدند و خوشحال شدند که ما در رابطه با کارگران در ایران با آنها تماس گرفته ایم. حتی همانطور که اشاره شد یکی از مسئولین آنها به اسم جوزف ظاهر در آکسیون روز ۲۱ ژوئن ما شرکت کرد و خطاب به کارگران و مردم ایران پیام همبستگی داد. مسئولین این حزب اعلام کردند که حاضرند همکاری های بیشتر با کمپین فری دم ناو داشته باشند. امکاناتی جهت برگزاری آکسیونها و اطلاع رسانی در اختیار ما بگذارند و از جمله اگر برای حرکت اعتراضی سال آینده از قبل آنها را در جریان قرار دهیم، در برگزاری آن به ما کمک خواهند کرد و از نظر خبر رسانی آفیش های آترا وسیعا انتشار خواهند داد. گفتند در تماسهای فشرده ای که با اتحادیه های کارگری سوئیس دارند، اخبار فعالیتها و آکسیونها ما را به اطلاع آنها خواهند رساند و تماس ما را با آنها برقرار خواهند کرد و از آنها میخواهند که بیایند و از کارگران در ایران حمایت کنند. در هر حال استقبال خوب و جالبی از کمپین ما کردند که قابل توجه بود و امیدوارم که بتوانیم تماسمان را با این دوستان گسترش بدهیم و بسیار امید بخش است.

**سیما بهاری:** شهلا دانشفر میخواهم یک ارزیابی بکنید. بدنبال یک هفته فعالیت در ژنو و فعالیت های دیگری از همین قبیل داشته اید، الان کمپین فری دم ناو در چه موقعیتی قرار گرفته است؟

**شهلا دانشفر:** به نظر من ما امروز در موقعیت بسیار قویتری قرار گرفته و پیشروی های قابل توجهی داشته ایم. از جمله در همین یک هفته همانطور که اشاره شد ما و جنبش کارگری و مبارزات مردم در ایران از جانب بسیاری از کارگران و اتحادیه های کارگری که برای شرکت در اجلاس آی ال او آمده بودند، دیده شدیم و پیامهای گرمی در حمایت از کارگران و مردم ایران و در محکومیت سرکوبگری های جمهوری اسلامی دریافت کردیم. فرصت مناسبی بود و یک هفته تمام فعالیت ما باعث شد که صدای اعتراضمان را وسیعا به درون اجلاس آی ال او ببریم و این تاکید ما که جمهوری اسلامی باید از این نهاد اخراج شود در آنجا انعکاس پیدا کرد. طبعا کارزار علیه حضور جمهوری اسلامی در ارتباط با سازمان جهانی کار ادامه دارد. اعتراض ما علیه شکنجه و زندان، علیه امنیتی کردن مبارزات، علیه وثیقه به عنوان شکلی از ادامه سرکوب حکومت، علیه شلاق و احکام ارتجاعی اسلامی و علیه محرومیت کارگران از حقوق پایه ای خود، به اعتراض ما به حضور جمهوری اسلامی در آی ال او سندیت میدهد. ما با اتکاء به پیشروی هایمان این کارزار مهم را به جلو خواهیم برد.

**سیما بهاری:** شما در صحبتهایتان اشاره کردید به دوستی که به حزب کمونیست کارگری خیلی نزدیک است و اشاره تان به چادان کومار از هند بود که در همبستگی با مبارزات کارگران و مردم ایران حمایت خود را از حزب کمونیست کارگری اعلام میکنند. سوال من اینست که چنین گرایشی که

یک گرایش چپ و رادیکال است در سطح جهانی چقدر جایگاه دارد و آیا کاری در دستور حزب نمیگذارد؟

**کاظم نیکخواه:** ببینید همانطور که اشاره کردم من این گرایش رادیکال و چپ را در ملاقات با حزب چپ سولیداریته سوییس نیز مشاهده کردم. از جمله در همان فرصت کوتاهی که داشتیم خیلی احساس نزدیکی به ما و به حرفهای ما نشان میدادند و از سیاستها و مواضعی که اعلام میکردیم، استقبال میکردند. برای آنها جالب بود که یک جنبش و کارزاری به این شکل وجود دارد. حزبی تحت عنوان حزب کمونیست کارگری وجود دارد و خواهان ارتباط نزدیکتر بودند. در عین حال آن دوستی که شما اشاره میکنید از فعالین حزب کمونیست هندوستان بود که بسیار هیجان زده شده بود که حزب کمونیست کارگری و فعالینش را آنجا می بیند. او بطرف ما آمد. خواست که صحبت کند و پیام دهد. و مشخصا به حزب کمونیست کارگری پیام داد و اعلام کرد که ما با شما هستیم و اهدافمان یکی است. این گرایش به نظر من در سطح جهانی گرایش بسیار قوی ای است. رشد یابنده است. بویژه در این سالها، در کشورهای مختلف رشد گرایش چپ که سوسیالیست هستند، برابری طلب هستند، ضد سرمایه داری هستند، ضد کل سیستمی هستند که کثافاتش و ناهنجاریهای هر روز بیشتر در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری خود را نشان میدهد. بطور واقعی میشود دید که این گرایش یعنی گرایش چپ و سوسیالیستی دارد رشد میکند. جلو می آید و در نتیجه یک جریانی مثل حزب

کمونیست کارگری که خیلی وقت جلوتر این گرایش را نمایندگی کرده، فرموله کرده و کسی مثل منصور حکمت آنرا تئوریزه و رهبری کرده، نقش بسیار برجسته ای میتواند داشته باشد. اینکه ما چه کاری میتوانیم بکنیم، بیشترین مشکلمان اینست که آطور که باید در دسترس نیستیم. این در دسترس بودن را باید تقویت کنیم و همین فعالیت هایی که در این یک هفته داشتیم و یا فعالیت هایی که در اواسط مارس در ونکوور کانادا داشتیم و تماسهایی که با جریانات و تشکلهای مختلف کارگری گرفتیم، نمونه هایی از فعالیت در این جهت هستند. کلا اگر بخواهیم بگوییم حزب چه باید بکند، تاکیدم بر بیشتر در دسترس بودن حزب در سطح جهانی برای کارگران و مردمی است که میخواهند از این اوضاع خلاص شوند. ما باید این گرایش را در سطح جهانی نمایندگی کنیم. گرچه به نظر من هرچه در ایران جنبش چپ و رادیکال و سوسیالیستی جلو برود و قدرتمند شود و به قدرت نزدیک شود، توجه ها و ارتباط و همبستگی های بین المللی نیز بیشتر تقویت میشود.

**سیما بهاری:** کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر خیلی ممنون از شما. من سوال دیگری ندارم. اما اگر نکته ای باقیمانده که فکر میکنید باید تاکید بیشتری بر روی آن بشود و باید بیشتر صحبت شود فرصت کوتاهی داریم.

**شهلا دانشفر:** گزارشی که داده شد، نشان میدهد که عرصه جلب همبستگی بین المللی کارگری بسیار مهم است. در این جهت فعالیتهای بسیاری هست که باید هنوز انجام داد. نمونه های آنرا

کاظم نیکخواه اشاره کرد. به این اعتبار فراخوان من اینست که همه دوستان در کشورهای مختلف وسیعا با کمپین "فری دم ناو" (FTN) و این کارزارها همبستگی و همکاری کنند. بکوشیم این گفتمان ها را وسیعا جهانی کنیم. بد نیست که بگوییم در دیداری که با مسئولین حزب سولیداریته چپ سوئیس داشتیم، جوزف ظاهر خودش از کشور سوریه است و در سوئیس بزرگ شده است. او ابراز علاقه کرد که با شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا همکاری کند. ما را با فعالین کارگری و چپ در سوریه مرتبط کند و بتوانیم این فعالیت ها را در سطح منطقه گسترش دهیم. بدین ترتیب می بینیم که هر کدام از این فعالیت ها دریچه و روزنه جدیدی برای گسترش کارزمامان باز میکند. فراخوان ما پیوستن هر چه بیشتر به این کارزارهاست.

**کاظم نیکخواه:** نکته ای که میخواهم اضافه کنم اینست که یکی از کارهایی که ما انجام دادیم و یا بحث هایی که در تمام این تماس ها داشتیم نشان دادن این بود که جامعه ایران و کارگران ایران قربانیان ساکت حکومت و کارفرمایان نیستند. فقط مورد ستم نیستند. فقط مورد تعرض نیستند. یک جدال و مبارزه هرروزه ای در ایران جریان دارد و کارگران خواسته های بسیار روشن، فرموله و پیشروی دارند و هرروز برای رسیدن به خواسته هایشان در حال مبارزه هستند. این فضا شاید در دنیا نمونه اش کم است. و این جنبه نیز برای کسانی که تماس میگرفتند و ما با آنها دیدار میکردیم بسیار هیجان انگیز بود. اینکه می دیدند که کارگر

ادامه در صفحه ۷

## رضا پهلوی و روایهای دست نیافتنی کاظم نیکخواه



رضا پهلوی معمولا وقتی حرف میزند مثل هنرپیشه ای میماند که دارد نقش بازی میکند. اما یک هنرپیشه بد. همه چیزش نمایشی و ساختگی بنظر میرسد. او مشکلات و معضلات خودش را دارد. و باید او را فهمید. انتظارات زیادی از او وجود دارد. سلیقه ها و انتظارات متفاوت و متنوع اطرافیانش را باید پاسخ بدهد. بیچاره هم باید افتخار کند که پسر شاه سابق است و هم وانمود کند که طرفدار سلطنت نیست. هم ولیعهد سابق باشد و امید به شاه شدن داشته باشد و هم از زیر بار دیکتاتوری پدرش شانه خالی کند. هم خود را حقوق بشری و دموکراسی طلب باب طبع غرب معرفی کند و هم مدافع "اتمامیت ارضی" و ملت و مشت آهنین. به همین دلیل او نقش یک الاکلنگ را در جبهه راست سلطنت طلب بازی میکند و هرروز به سویی میچرخد و خود را در وضعیت نزار و مضحکی قرار میدهد. وقتی میخواهد دموکرات بشود میگوید "من تابع اراده ملت، هرچه مردم بگویند همان را انجام میدهم". هیچگاه در پاسخ به این سوال که بالاخره خودت مدافع چه نظامی هستی سراسر است نمیگوید من میخواهم مثل پدرم شاه بشوم. وقتی مورد سوال قرار میگردد که آیا از اعدامهای دوره پدرش دفاع میکند مستقیما نمیگوید آری. بلکه با گفتن اینکه "چاره ای نبود اما زیاده رویهایی هم شد اما الان اوضاع بدتر است" سعی میکند خود را خلاص کند.

همین چرخشها باعث شده است که حتی سلطنت طلبان و هم مسلکانش هم بعضا او را به باد انتقاد و استهزا بگیرند. مدتی پیش وقتی که میخواست از اعدامهای دوره دیکتاتوری پدرش دفاع کند این ادعای مسخره و مضحک را مطرح کرد که "بعضی انقلابیون سابق به من گفتند که ای کاش پدر شما ما را هم اعدام کرده بود!" بعدا یکی دو ماه پیش در یک مصاحبه با صدای آمریکا که میخواست نشان دهد که خانواده اش اساسا با تشکلهای کارگری و چپها مشکلی ندارند، بنحو باور نکردنی ای ادعا کرد که پدرش یک سوسیالیست بوده است و ایده های چپ داشته است!

تازگیها با روی کار آمدن ترامپ ظاهرا امر بر او مشتبه شده و امید تازه ای پیدا کرده است که به شیوه "رژیم چنجی" بعنوان شاه سرکار کشیده شود. و به همین دلیل ظاهرا به اصل خویش بازگشته و لحنش عوض شده است. او دیگر نقش بازی نمیکند. خودش است. او با زبان یک بچه درباری و اشراف زاده از خود راضی که مردم را "رعایا" و برده میدانند و تحقیر میکند حرف میزند. به این چند جمله از یک سخنرانیش در یک جمع از سلطنت طلبان دقت کنید. او با معجونگی از فارسی و انگلیسی میگوید: "آن زمان (در حکومت پدر ایشان) همه میخواستند بچه هایشان دکتر و مهندس شوند.

کسی در "هیومنیتی" نبود که جواب رادیکالها چه اسلامی ها و چه مارکسیستها را وقتی که "وز وز" میکردند بدهد. (مردم) به مساجد میرفتند و "شعر و ورای" آخوندها را گوش میکردند اما وزرا که بعضی هایشان هم امشب اینجا هستند، کارشان را تبلیغ نمیکردند... (مردم) مفت گیرشان آمد ارزشش را ندانستند. ... بالاخره هرکس همان حکومتی را بدست می آورد که سزاوارش است"

این لحن و این زبان برای همه ماها که دیکتاتوری سلطنتی و درباری را تجربه کرده ایم کاملا آشناست. تبختر، رضایت بیش از حد از خود، تحقیر توده کارگر و زحمتکش، همه چیز را به لطف پدر تاجدار منتسب کردن و منت سر مردم گذاشتن، و شاخ و شانه کشیدن برای کمونیستها و مارکسیستها. اینها جزئی از زبان هرروزه ساواکی ها و درباری ها در رسانه های عمومی و سراسری بود. هم اکنون هم هرکس که کمی با زبان خانواده های اشرافی و دربار سعودی و کشورهای سلطنتی دیگر آشنا باشد با این زبان و فرهنگ قطعا بخوبی آشنایی دارد.

اما ظاهرا اطراف رضا پهلوی را فقط همان وزرا و درباریهای سابق و بچه درباریهای فرسگردی گرفته اند و کسی نیست که به او بگوید جناب! خودت را گم نکن. جامعه امروز ایران جامعه چهل سال پیش و پنجاه سال پیش نیست. اولاً چهل سال پیش هم این حکومت با کشتار و سرکوب به مردم تحمیل شد و مردم هیچگاه سزاوار این حکومت نبودند. همانطور که سزاوار ساواک و دیکتاتوری شاه نبودند. مردم دارند حکومت

اسلامی را هم مثل حکومت شاه به زباله دان می اندازند و این مردم به بازگشت حاکمیت شاهان و درباریها و اشرافیت مفتخور و از خود راضی یک روز هم رضایت نمیدهند. این جامعه ای است که کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویانش دارند "اداره شورایی" را فریاد میزنند، آزادی زندانی سیاسی، منزلت معیشت حق مسلم ماست و سرمایه دار مفت خور نمیخواهیم نمیخواهیم را فریاد میزنند. این جامعه ای است که بارها میلیونی در خیابانها فریاد مرگ بر دیکتاتور و زندانی سیاسی آزاد باید گردد و حقوقهای نجومی فلاکت عمومی را سر داده است. اینها، و برابری و آزادی کامل زن و مرد و لغو اعدام و درمان رایگان و امثال آن را مردم دارند هرروز به شکلی فریاد میزنند. و اینها همان چیزهایی است که مارکسیستها سالها گفته اند و تاکید کرده اند و به میان جامعه برده اند. دوره ای که مارکسیت ها را به زندان می انداختید و اعدام میکردید و هرچه دلتان میخواست به سوی آنها پرتاب میکردید و میگفتید خیلی وقت است گذشته است.

بله در زمان پدر و پدر بزرگ شما خیلی از مردم به مساجد سوق داده میشدند و اراجیف آخوندها را گوش میکردند. زیرا اسلام مذهب رسمی و اجباری بود و چیزی جز اراجیف آزاد نبود. کتاب خواندن ممنوع بود. عقیده آزاد نبود و عقاید پیشرو بشدت سرکوب میشد. تحزب و تشکل مطلقا آزاد نبود. نویسندگان و دانشجویان و کمونیستها و مارکسیستها و کارگران معترض و همه آزادیخواهان به زندان انداخته میشدند و بعضا اعدام

میشدند، اما مساجد و خیل آخوندها و طلبه ها و مرتجعین رنگارنگ کاملا آزاد بودند و پول میگرفتند و در رسانه های رسمی برایشان هرروز تبلیغ میشد.

جناب پهلوی! هرکس که کمی فکر داشته باشد و تعمق کند متوجه میشود که حکومت اسلامی در واقع خلف و بازمانده و محصول دوره سیاه دیکتاتوری پهلوی هاست. حکومت پهلوی فعالانه مذهب رسمی را نه فقط تبلیغ میکرد بلکه آنرا به جزئی از قوانین و آموزش اجباری تبدیل کرده بود. حوزه های اسلامی و نکایا و مساجد بسیاری در همه جا فعالانه خرافه و عقب ماندگی و بندگی و احادیث اسلامی را به درون جامعه پمپاژ میکردند. خود خانواده پهلوی و از جمله شخص رضا پهلوی سالی چند بار در معیت یک مشت آخوند درباری به زیارت اماکن اسلامی میرفتند و با پوشش وسیع رسانه ای این "شرفیابی ها" را به عنوان رویدادهای مهم به خورد مردم میدادند.

جامعه امروز ایران بهیچ وجه جامعه چهل سال و پنجاه سال پیش نیست. این جامعه را نمیتوان بار دیگر زیر سیطره شاه و سلطان و اشرافیت بی خاصیت و مفتخور اسیر کرد. امروز مردم در مبارزات و جدالها و فداکاریها و تلاشهای هرروزه خود علیه جمهوری اسلامی، بسیار و بسیار آگاهتر و متشکل تر و متحد و بهم پیوستن اند. رسانه های اجتماعی امکانات زیادی برای رشد آگاهی و اتحاد و بهم پیوستن مردم ایجاد کرده است. جدال و جنبش آزادیخواهی و حق طلبی زنان و کارگران و دانشجویان و مالباختگان و

## این طرح شما شکست خورد!

نسرین رمضانعلی

خانم زلینا پفرورن ( Selina Pfr ner ) مستند ساز و عکاس ساکن شهر کلن آلمان، ماه گذشته در نمایشگاه لباس و مد در شهر فرانکفورت حضور یافت و به همراه همکاران و حامیان خود به تبلیغ و بازاریابی برای حجاب این سمبل فرودستی زن پرداخت. ایشان همه توان و تلاش خود را بکار گرفت که برای حجاب و نقاب و برقه آبرو بخرد و آنها را یک پوشش کاملاً عادی برای زنان جلوه بدهد. این اقدام وی اما با اعتراض وسیع فعالین جنبش زنان، سازمان اکس مسلم، تشکل "زنان ایران آلمان- فرانکفورت" و حضور فعالین حزب کمونیست کارگری ایران رو روبرو شد و شکست خورد. برگزاری نمایشگاه در فرانکفورت با اعتراض زنان و مردانی که از کشورهای اسلام زده فرار کرده و اکنون در آلمان زندگی میکنند، رو به رو شد. پس از شکست در فرانکفورت، اینبار خانم "زلینا پفرورن" بخت خود را در شهری که خود او ساکن است یعنی در کلن آزمایش میکند. اینبار با پشتوانه مقامات استانی و سازمانهای اسلامی و با دریافت کمک های مالی نمایشگاه خود را در کلن دایر کرد.

بلافاصله تشکل اکس مسلم، زنان ایران آلمان کلن و چهره های شناخته شده فعال عرصه زنان و همچنین هنرمند همچنین حضور فعال اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن هم پس از انتشار آفیش تبلیغی این نمایشگاه، چندین نامه اعتراضی و سرگشاده برای ایشان و



foto: akhtar ghazem

همچنین اداره فرهنگ و علوم استان کلن ارسال شد. معترضین در نامه های خود اقدام به برگزاری این نمایشگاه را که با هدف عادی سازی حجاب و بیرون بردن آن از زیر تیغ منتقدین اسلام سیاسی است به باد انتقاد گرفتند. در این نامه ها تاکید شد که این اقدام خانم زلینا پفرورن مهر تائیدی بر بی هویتی و بی چهره کردن زنانی است که از کشورهای اسلام زده به آلمان گریخته اند. و نکته مهمتر این است که ایشان با این اقدام خود تلاش میکنند بحث ممنوعیت حجاب کودکان را- که اکنون در آلمان داغ است- به حاشیه برانند. اقدام به برگزاری نمایشگاه نقاب تقلایی بود برای جو سازی و مخالفت با بحث ممنوعیت حجاب کودکان. از اینرو معترضین با شدت به برگزاری این نمایشگاه به مقابله برخاستند. مسئولین فرهنگ و علوم استان کلن که مجوز برگزاری این نمایشگاه را صادر کرده بودند بشدت تحت فشار قرار گرفته اند. از اینرو اعلام کردند که مجوز برگزاری نمایشگاه برقع و نقاب در چهار چوب "کار فرهنگی و آزادی بیان" صادر شده است. گند ماجرا وقتی برملا شد که مشخص شد خانم عکاس برای برگزاری نمایشگاه خود از همین اداره در شهر کلن و همچنین از ایالت "نوراین

یعنی بی حقوقی زن، یعنی دست درازی به حقوق زنان، یعنی بی چهره و بی هویت کردن زنان!

چند سخنران و از جمله نگارنده این گزارش که از کشورهای اسلام زده گریخته اند از درد و رنجی که زنان با آن مواجه هستند صحبت کردند و تاکید کردند که حجاب صرفاً یک تکه پارچه نیست، بلکه سمبل خشونت علیه زنان و بی حقوقی آنهاست. آنها در سخنرانی خود اشاره کردند که مبارزه علیه حجاب اجباری و قوانین ضد زن در کشورهای اسلام زده گسترده است. سخنرانان تصریح کردند که چنین نمایشگاهی را ضد زن و ارتجاعی میدانند و با شدیدترین وجه به مقابله با آن برخوانند خاست. رعنا احمد که خود از عربستان گریخته است پس از ایراد سخنرانی با پرت کردن عبا و نقاب و برقع توجه زیادی را به خود معطوف کرد. حاضرین با سر دادن شعارهایی اعلام کردند که حجاب فقط یک تکه پارچه ای نیست بلکه پرچم و سنبلیله یک جنبش سیاه و ارتجاعی و بی نهایت ضد زن است. علاوه بر انتقادات تندی که علیه برگزار کننده و عکاس این نمایشگاه شد، نقدهای تندی علیه سیاستگذاران دولت آلمان نیز بیان شد.

تجمعات اعتراضی در مقابل این نمایشگاه همچنان ادامه دارد. قرار است روز ۳۰ ام ماه ژوئن ( ۱۰ تیر ) در محل نمایشگاه پانلی برگزار گردد و در باب "موفقیت نمایشگاه و حجاب" صحبت شود. تشکل زنان ایرانی و آلمانی، تشکل اکس مسلم، تشکل علیه جنگ برای صلح نیز در مقابل این فراخوان، اقدام به برگزاری یک کنفرانس آلترناتیو در خارج از

سالن کرده اند. در داخل سالن قرار است ۴ الی ۵ سخنران حضور یابند. در کنفرانس آلترناتیو در خارج از سالن سخنرانهایی متشکل از مردان و زنان آزادخواه سخنرانی خواهند کرد!

اسلام سیاسی و موضوعاتی چون حجاب و حقوق زنان و کودکان در محیط های اسلامی اکنون یک موضوع داغ در کشورهای غربی و از جمله آلمان شده است. به این خاطر اعتراض ما بازنتاب خبری وسیعی در رسانه های سراسری و بزرگ و همچنین سایت های آنلاین و مدیای اجتماعی داشته است و توجه وسیعی را به خود معطوف کرده است. به یمن تلاش های و اعتراضاتی که صورت گرفت، مضحکه نمایشگاه نقاب با شکست روبرو شد!

در پایان لازم میدانم تاکید کنم که نقش مینا احدی در شکست این پروژه بسیار با اهمیت بود. وی با صدور فراخوان خطاب به مردم کلن و مردم استان نوراین و سفالن توجه زیادی را به برگزاری این نمایشگاه و اعتراضاتی که در مقابل آن شد جلب کرد. نقش وی در این پروسه غیره قابل انکار است. مینا احدی روز یکشنبه در تجمع اعتراضی مقابل این نمایشگاه نیز حضور یافت و اعلام کرد: "این طرح شما شکست خورد! تا زمانی که ما هستیم نخواهیم گذاشت با سمبل حجاب برای اسلام سیاسی آبرو بخرید!"

لازم به ذکر است این اعتراضات همچنان ادامه دارد. همینجا از تمامی زنان و مردان آزادخواه و برابری طلب تقاضا میکنم در تجمع روز یکشنبه ۳۰ ژوئن در مقابل این نمایشگاه در شهر کلن آلمان به ما بپیوندند!

## گزارش از سخنرانی مینا احدی در شهر گوتینگن آلمان سیامک زارغ



روز جمعه ۲۱ ماه ژوئن به دعوت جمعی از دانشجویان فمینیست کمونیست شهر گوتینگن، مینا احدی برای دانشجویان و جوانان این شهر که برای شنیدن صحبت های او گرد آمده بودند، سخنرانی داشت. موضوع این سخنرانی "آینده ایران؛ نقش جنبش کارگری و جنبش زنان در ایران امروز و معرفی جنبش کمونیسم کارگری" بود. در این برنامه که بصورت کنفرانس و سخنرانی بود ابتدا مینا احدی بمدت یکساعت صحبت کرد و مروری داشت بر چگونگی شکل گیری جنبش نوین زنان و مبارزات آنها برای رهایی از تبعیض و بدست آوردن آزادیهای فردی و اجتماعی از بدو شکل گیری حکومت اسلامی تا به امروز و دست آوردهای این مبارزه. او



همچنین به چگونگی رشد جنبش کارگری، عروج چهره های سرشناس و محبوب کارگری در ایران و پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات گسترده کارگران در تمام طول مدت چهل سال حکومت مذهبی و رشد مبارزات کارگران در کنار دانشجویان و دیگر اقشار مردم پرداخت. یکی از مباحث مهم کنفرانس بررسی جنبش چپ در ایران و نقش کمونیزم پراتیک بود که سخنران بر آن تاکید کرد.

مینا احدی در ادامه صحبت های خود در این کنفرانس در مورد نقش منصور حکمت در کمونیزم ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری به گفتگو نشست و حضار را به آشنایی بیشتر با منصور حکمت و نوشته های او دعوت کرد. در پایان کنفرانس اشاره شد که ایران در آستانه تحولات مهمی است. کشتی جمهوری اسلامی به گل نشسته است. برای پایان دادن به بحران حاضر و تنش

جنگی و وضعیتی که کشور در آن گرفتار شده است مردم خواهان سرنگونی حکومت هستند. نقش مردم در غرب در همبستگی با مردم ایران بسیار مهم است. مینا احدی دول اروپایی و به خصوص دولت فدارل آلمان را در برخورد با جمهوری اسلامی نقد کرد و خواهان شکل گرفتن جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و زنان و مردم ایران برای پایان بخشیدن به عمر حکومت آپارتاید جنسی در ایران شد.

شرکت کنندگان سؤالات بسیاری را طرح کردند و به این ترتیب این همایش با پرسش و پاسخ ادامه یافت. سخنرانی که با استقبال روبرو شد. پس از اتمام سخنرانی تعدادی از شرکت کنندگان به بحث و گفتگو با مینا احدی ادامه دادند و در مورد منصور حکمت و نوشته ها و زندگی وی از او سوال کردند و ابراز علاقه کردند که با کتابها و نوشته های وی آشنا شوند.\*

تردیدی نداشته باشید که بهیچ واقعیت خیلی زود به شما وجه نمیخواهد و نخواهیم گذاشت یک لحظه هم به عقب چلبی در عراق اشتباه مهلکی بازگردد و به حاکمیت شاه و میکنید و هزینه چنین ساواک کردن بگذارد. اگر روی اشتباهی مطمئن باشید که کم کار آمدن ترامپ و امثالهم شما

را دچار این توهم کرده است که میتوانید این جامعه را به عقب بازگردانید و سلطنت و دربار و شاه و ساواک را بر حیات این مردم حاکم کنید،

## از صفحه ۱ شکست سخت اردوغان در انتخابات شهرداریهای ترکیه

از پذیرش نتایج انتخابات در استانبول سر باز زد... او بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات در ماه مارس مدعی شد که در جریان انتخابات استانبول فساد جدی رخ داده است و بدنبال آن کمیسیون عالی انتخابات حکم برگزاری مجدد انتخابات استانبول را صادر کرد و به این ترتیب انتخابات دیگری یکشنبه گذشته ۲۳ ژوئن برگزار گردید.

نتیجه این انتخابات شکست قاطع بن علی ییلدریم از ائتلاف «مردم»، که نامزد دو حزب عدالت و توسعه اردوغان و حرکت ملی گرای ترکیه بود. در دور پیشین انتخابات تفاوت آراء امام اوغلو با ییلدریم حدود ۱۴ هزار رای بود اما در دور کنونی این اختلاف به بیش از ۷۰۰ هزار رای رسید. این پیروزی قاطع رقیب و

شکست پر معنی برای اردوغان در انتخابات روز یکشنبه، دورنمای افول رجب طیب اردوغان و آغاز پایان ۱۶ سال یک تازی اسلام سیاسی در ترکیه را نوید میدهد.

حکومت اردوغان و حزب موسوم به عدالت و توسعه طی ۱۶ سال گذشته یک عقب گرد جدی را به جامعه ترکیه تحمیل کرده و به تعرض نیروهای ارتجاعی میدان داده است. نیروهای سکولار و چپ و انسان دوست مدام در برابر این تعرض و عقب گرد ایستادگی کرده و با تمام توان تلاش کرده اند که مانع سلطه سنتهای ارتجاعی و اسلامی بر شئون اجتماعی شوند. قطعاً روزی که حزب اسلامی عدالت و توسعه و اردوغان با پیشروی جریانات پیشرو و سکولار، از صحنه سیاسی ترکیه کنار زده شوند، یک پیروزی تاریخی نه فقط برای مردم ترکیه بلکه برای مردم کل منطقه رقم خواهد خورد.\*

## از صفحه ۴ اعتراض به حضور

آنها جالب و شنیدنی بود. به نظر من هم مهم است که این جنبش در سطح دنیا در ایران فریاد میزند و میگوید نمایندگی شود. نکته دیگر منزلت، معیشت، حق مسلم ماست، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی و به تبعیضات طبقاتی و به چپاول بالاییها از اعتراض دارند و اینکه کارگران و معلمان و دانشجویان و زنان در کشورهای مختلف داشته یک جنبش همبسته ای را به پیش میبرند، که فقط به اصطلاح صنفی نیست، بلکه یک جنبش بسیار همه جانبه و عمیق و پیشرو است. هدفش و بازتاب آنرا میشد خیلی جاها بهبود کل جامعه است. و دید.

کارگران میخواهند دنیای بهتری بسازند. اینها همه برای هر دوی شما

از صفحه ۵

## رضا پهلوی و رویاهای دست نیافتنی

بازنشستگان به جزئی از حیات روزمره اجتماعی این جامعه تبدیل شده است. این جامعه میخواهد از شر جمهوری اسلامی خلاص شود. اما

## حزب چپ سوئیس نیز به قطعنامه ما علیه جمهوری اسلامی پیوست

(است)

کمپین برای آزادی  
کارگران زندانی در ایران  
Shahla.daneshfar2@gm  
ail.com  
http://free-them-  
now.com  
۴ تیر ۲۵،۹۸  
ژوئن ۲۰۱۹

پیوستن به این قطعنامه، پایمال کردن حقوق پایه ای کارگران در ایران توسط حکومت اسلامی را محکوم کنند و از مبارزات و اعتراضات کارگران در ایران پشتیبانی نمایند. (متن قطعنامه ضمیمه

کارگری عراق به امضا رسیده است و اتحادیه سراسری نروژ و اتحادیه کارگران پست کانادا نیز همراهی و موافقت خود را با مفاد آن اعلام داشته اند. اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، ممنوعیت شلاق و شکنجه و امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی خطوط برجسته این قطعنامه را تشکیل میدهد. "فری دم ناو" کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران از همه تشکلهای اتحادیه های کارگری میخواهد که با

سیاسی چپ و کمونیست در سوئیس است و بخشی از چپ ضد کاپیتالیست در اروپا محسوب میشود. این حزب در اتحادیه های کارگری سوئیس نیز نفوذ و نقش دارد. یادآور شویم که قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" (FTN) قبلا نیز از سوی شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه VDLC در برگیرنده ۶۰ هزار عضو و اتحادیه کارگران خدمات و دولتی بریتیش کلمبیا BCGEU در برگیرنده ۷۷ هزار عضو دبیر کل فدراسیون اتحادیه های

حزب چپ "سولیداریته" در سوئیس با گذاشتن امضای خود در زیر قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" (FTN) به کارزار علیه حضور جهانی کار پیوست. این قطعنامه در نشست که در بیستم ژوئن هیات "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" مرکب از شهلا دانشفر، کاظم نیکخواه، شهرام نجفی و بهنام نجفی با حزب سولیداریته داشت همراه با آخرین گزارشات از وضعیت کارگران زندانی، معلمان دربند و تشدید سرکوبگری های حکومت اسلامی در ایران به آنان معرفی و ارائه گردید. حزب سولیداریتی یک حزب



### متن قطعنامه فری دم ناو:

### جای جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار نیست

گرامیداشت روز جهانی کارگر، حق آزادی بیان محروم کرده است. چنین رژیمی نباید جایی در سازمان جهانی کار داشته باشد. ما همراه با دیگر نهادهای بین المللی کارگری و انساندوست جهانی که صدای اعتراض خود را علیه سرکوبگری های وحشیانه حکومت اسلامی بلند کرده اند، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، آتنا دائمی، و تمامی زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما حمایت خود را از کارزار فری دم ناو اعلام میکنیم.

میکنند. محکوم کردن کارگر به حبس و زندان بخاطر اعتراض برای حق و حقوقش یک بردگی آشکار است و ما آنرا قاطعانه محکوم میکنیم. ۴- ما اعتراض خود را به سازمان جهانی کار بخاطر سکوت و مماشاتش با سرکوبگری های حکومت اسلامی و نقض حتی همان کنوانسیون های اعلام شده این سازمان از سوی رژیم ایران بعنوان عضوی از این سازمان اعلام میکنیم. جمهوری اسلامی کارگران و مردم را از پایه ای ترین حقوق خود چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق

توقف آزار و شکنجه آنان، پایان دادن به شکنجه ها در زندان و آزادی فوری و بدون قید و شرط بخشی و قلیان هستیم. ۳- ما از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران در ایران حمایت کرده و خواستار لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و فعالین اجتماعی هستیم. جمهوری اسلامی کارگران را به خاطر مبارزاتشان در دفاع از زندگی و معیشتشان تحت عناوینی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" دستگیر و زندانی

بخاطر دفاع از حقوق کارگران در جریان مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود، دو باره بخاطر اعتراضش به شکنجه های درون زندان دستگیر شد. او و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده و برگرفته های اسماعیل بخشی صحنه گذاشت نیز در زندان است. آنها زیر فشار قرار دارند که گفته های خود در مورد شکنجه در زندان را تکذیب کنند. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خواستار دادگاه علنی شده اند. وضعیت آنان اضطراری است. خواستار

۱- صدور احکام شنیع شلاق برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض را شدیداً محکوم میکنیم. این مجازات ضد انسانی و اسلامی باید توسط همه سازمانهای کارگری و مردم متمدن جهان محکوم شود. محمد حبیبی معلم زندانی که ده سال و نیم سال حکم زندان دارد به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. احکام وحشیانه شلاق باید لغو و ممنوع شوند. ما جمهوری اسلامی را بخاطر صدور چنین احکام وحشیانه ای شدیداً محکوم میکنیم. ۲- ما از کیفرخواست اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه های حکومت اسلامی در زندانها حمایت و پشتیبانی میکنیم. اسماعیل بخشی که



## ترور سامان دانشور توسط "پژاک" را قویا محکوم میکنیم!

میخواهند بدین وسیله مردم کردستان و بویژه جوانان را مرعوب سیاست خود کنند. مردم و جریانات سیاسی مسئول کردستان باید با هوشیاری و آمادگی بیشتری علیه سیاستهای سرکوبگرانه پژاک و پ.ک.ک بایستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به پدر سامان، رحیم دانشور و مادرش شمسه و خواهرانش سهیلا و ثریا تسلیت می گوید!

**کمیته کردستان حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲ تیر ۱۳۹۸  
۲۳ ژوئن ۲۰۱۹**

انسانی و سیاست بکار گرفتن ترور و حذف فیزیکی در دل تحولات سیاسی جامعه کردستان عملا فضای سیاسی و اعتراضی جامعه را نظامی و تروریزه میکند و مستقیما در خدمت سیاستهای جمهوری اسلامی قرار میگیرد.

این اقدامات تروریستی و سرکوبگرانه از جانب مردم و جریانات سیاسی مسئول نباید بی پاسخ بماند. این نوع سیاست میتواند آغاز دور تازه ای از کشتن و ترور و مرعوب کردن جامعه باشد.

پ.ک.ک و پژاک

مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که اجازه ندهند جریاناتی مانند پژاک و پ.ک.ک فضای جامعه را تروریزه کنند. سیاست ایجاد رعب و وحشت پیشه جریانات سرکوبگر و مرتجع بوده است. قبلا و تا به امروز مردم اساسا جمهوری اسلامی را مجری و مدافع این سیاست ضد انسانی میدانستند. متاسفانه امروز و در دل تحولات جامعه ایران جریاناتی مانند پژاک و پ.ک.ک هم به این سیاست ابعاد جدیدی بخشیده اند.

این نوع اقدامات ضد

جان باخت.

ترور سامان دانشور اولین ترور توسط پژاک نیست، در پرونده پژاک و پ.ک.ک کسانی که صفوف سازمانشان را ترک کرده اند و ترور شده اند زیاد اند. این نوع سیاست اجبار و سرکوبگرانه که کسی حق ندارد صف این جریانات را ترک کند سیاست رسمی این دو جریان است و تا کنون قربانیان زیادی داشته است.

ما این اقدام تروریستی پژاک را محکوم میکنم و از همه سازمانهای سیاسی و

سامان دانشور ۲۹ خرداد بوسیله پژاک ترور شد. سامان جوانی از روستای "گویزه کویره" در نزدیک شهر مریوان بود. سامان دانشور قبلا چند سال در صف نیروهای مسلح پ.ک.ک فعالیت کرده بود. حدود دو سال قبل صف پ.ک.ک را ترک و در روستای "گویزه کویره" زندگی میکرد.

سامان هنگامیکه در مزرعه همراه مادر و خواهرش به کار کشاورزی مشغول بود توسط سه نفر از اعضای مسلح "پژاک" در روز روشن و جلو چشم مادر و خواهرش به رگبار بسته شد و

## بمباران مردم توسط ارتش ترکیه را بشدت محکوم میکنیم

اقلیم کردستان با دولتهای جمهوری اسلامی و دولت ترکیه اعتراض کنند. مردم کردستان هر بار با تجمعات توده ای و راهپیمایی مخالفت قاطع خود را با سیاستهای ضد انسانی حکومت اقلیم کردستان ابراز کرده اند و انتظار می رود اینبار نیز متحد و یکپارچه به میدان بیایند.

**کمیته کردستان حزب  
کمونیست کارگری  
۷ تیر ۱۳۹۸  
۲۸ ژوئن ۲۰۱۹**

عراق در قبال این توحش را بمثابة همسویی این حکومت با جنایات دولت ترکیه میداند. از مردم آزادیخواه و مدافع حقوق انسان می‌خواهیم که نسبت به جنایات دولت ترکیه علیه مردم بیدفاع اعتراض کنند. کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی در منطقه که خود را مدافع حقوق مردم میدانند فرامیخوانیم این عمل جنایتکارانه نیروهای دولت ترکیه را محکوم کنند و علیه سازشهای خونین و دیپلماسی کثیف حکومت

عراق در قبال این توحش را بمثابة همسویی این حکومت با جنایات دولت ترکیه میداند. از مردم آزادیخواه و مدافع حقوق انسان می‌خواهیم که نسبت به جنایات دولت ترکیه علیه مردم بیدفاع اعتراض کنند. کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی در منطقه که خود را مدافع حقوق مردم میدانند فرامیخوانیم این عمل جنایتکارانه نیروهای دولت ترکیه را محکوم کنند و علیه سازشهای خونین و دیپلماسی کثیف حکومت

بار به عنوانی مختلف از اتخاذ موضع در این باره و در دفاع از امنیت و جان مردم طرفه رفته و مسئولیتی در قبال امنیت مردم شهر و روستاهای این منطقه در مقابل این جنایات بعهده نمیگیرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری بمباران روستاهای دامنه قندیل و کشتار مردم بی دفاع منطقه بوسیله ارتش ترکیه را شدیدا محکوم میکند و سکوت حکومت اقلیم کردستان

قندیل، بارها روستاهای دامنه قندیل را به راکت و توپ و خمپاره بسته و هر بار هر بار مردم بیدفاع از جمله کودکان قربانی میشوند.

حکومت اقلیم کردستان عراق بدلیل روابط حسنه ای که با حکومت فاشیستی ترکیه دارد و از سوی دیگر مخالف حضور نیروهای پ.ک.ک در کوههای قندیل در کردستان عراق است، نه تنها نسبت به جنایات ارتش و نیروهای دولت ترکیه واکنشی از خود نشان نمیدهد بلکه هر

بنا به اخبار منتشر شده عصر روز پنجشنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۱۹ هواپیماهای ارتش ترکیه دو روستای دامنه کوههای قندیل در خاک کردستان عراق را بمباران کردند که متاسفانه چهار نفر از اعضای یک خانواده جان خود را از دست داده و پنج نفر دیگر زخمی شدند.

این اولین بار نیست که ارتش و نیروی هوایی دولت ترکیه دست به چنین جنایتی در این مناطق می زند. طی سالهای گذشته تا کنون دولت ترکیه به بهانه حمله به مواضع پ.ک.ک در کوههای

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**فرکانس تلویزیون کانال جدید**  
**ماهواره یاه ست**  
**فرکانس : 11766**  
**پولاریزاسیون : عمودی**  
**سیمبل ریت : 27500**  
**اف ای سی : 5/6**

## من یک زن هستم، در زندانی به وسعت ایران، من هم شکنجه شدم

فراخوان بشری ذیل است:

اعلام دادخواهی و کیفرخواست زنان ایران علیه چهل سال شکنجه، بیحقوقی، آزار و اذیت جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومتی اسماعیل بخشی، شجاعانه و جسورانه از شکنجه‌هایی که در زندان جمهوری اسلامی شده بود پرده برداشت و دست به اقدامی زد که نه فقط به کیفرخواست و دادخواهی کارگران بلکه به جنبش دادخواهی و کیفرخواست عموم مردم ستمدیده ایران و زنان قوت بخشید.

حال من یک "زن" اعلام میکنم که در زندانی که چهل سال است جمهوری اسلامی برای جامعه ایران بخصوص زنان ایران ساخته است، من هم شکنجه شدم...

با کشیدن حجاب بر سرم به داخل یک سلول انفرادی فرستاده و شکنجه شدم...

به دلیل ایجاد رعب و وحشت در خیابانها، آزارهای خیابانی و شکنجه‌های روحی و روانی، با کوبیدن حجاب توسط پونز اکبر گنجی‌ها به سرم، و پرتاب سوزن ته گرد به صورتم توسط پاسدارهای موتور سوار، و ضرب و شتم‌ها توسط گشت‌های ارشاد و آمرین به معروف و ناهیان از منکر و بسیجی‌ها شکنجه شدم...

به دلیل فتنه‌انگاشتن من به عنوان یک زن بر اساس آیات قرآنی و هرزه خواندن من و جدا کردنم از مردان شکنجه شدم... به دلیل زیرپا گذاشتن

توضیح: ۲۶ ژوئن روز جهانی مبارزه با شکنجه و حمایت از قربانیان شکنجه هست. بهمین مناسبت لازم دیدیم، بار دیگر به "کیفرخواست زنان" و کمپین "من هم شکنجه شدم" بطور ویژه بپردازیم.

اعلام دادخواهی و کیفرخواست زنان، فصلی مهم و تعیین کننده در جنبش‌های زن در ایران است که توسط ۱۵ نفر از فعالین حقوق زنان، دختران خیابان انقلاب، مادران اعدام شدگان، مادران کشته شدگان اعتراضات ۸۸ و خانواده‌های زندانیان سیاسی فراخوان داده شده. تا بحال ۱۰۶۰ نفر با امضاء خود از این فراخوان اعلام حمایت کرده اند که در بین حمایتها، اسامی تعدادی از بازداشت شدگان کنونی در زندان قرچک ورامین، زندانیان سیاسی سابق، شکنجه شدگان دهه شصت، وکلا، روزنامه نگاران و خبرنگاران، شاعران و نویسندگان، هنرمندان، معلمان، اعضا هیات علمی دانشگاه، خانواده‌های اعدام شدگان، فعالین جنبشهای اعتراضی از جمله زنان، کارگری، دانشجویی، ال جی بی تی کیوها، حمایت از کودکان کار، حمایت از محیط زیست، و شکنجه شدگان اعتراضات مرداد ۹۷ نیز دیده می شود.

هویت انسانی ام بعنوان یک انسان آزاد و مستقل، بدلیل جنس دوم شمردن و کالا انگاری من، بدلیل سلب اختیار از من و گرفتن حق انتخاب در سبک زندگی، رابطه جنسی، گرایش جنسی و روابط شخصی و اجتماعی شکنجه شدم... به دلیل ازدواج اجباری، ازدواج زیر سن و کودک همسری شکنجه شدم...

به دلیل خرید و فروش و قیمت گذاری من با مهریه و شیربها و تحقیر من با نفقه شکنجه شدم...

به دلیل الزام به تمکین به شوهر، و قانونی بودن تجاوز شوهرم به من، برای ارضاء نیاز جنسی اش شکنجه شدم...

به دلیل نداشتن حق طلاق و حق حضانت فرزندم شکنجه شدم... به دلیل اینکه شوهرم ایرانی نبود و فرزندم را بی هویت و بی شناسنامه خواندند شکنجه شدم...

به دلیل محرومیت از حضور در اماکن عمومی همچون استادیومهای ورزشی، محرومیت از اشتغال و تحصیل و فعالیتهای اجتماعی، ورزشی، هنری و فرهنگی و سفر شکنجه شدم...

به دلیل عدم حق شهادت و قضاوت شکنجه شدم... به دلیل جنسیت، نیمی از ارث بردم و شکنجه شدم...

در زندان با فحش‌های رکیک و جنسی، با تهدید و کابوس تجاوز شکنجه شدم... برای آزادی فرزند دربندم، مورد توهین و تحقیر و ضرب و شتم قرار گرفتم و شکنجه شدم...

با خطبه‌های زن ستیزانه امامان جمعه و تحریک به اسیدپاشی به صورت زنان و فرو کردن چاقو به باسن زنان شکنجه شدم...

بدلیل ترنس یا همجنسگرا بودم زیر شلاق و زیر تجاوز گروهی وابستگان حکومت شکنجه شدم...

بدلیل رابطه خارج از ازدواج سنگسار شدم و یا با کابوس سنگسار شکنجه شدم...

من ندا آقا سلطان برای حق خواهی در کف خیابان کشته شدم...

برای درس عبرت اعدام شدم یا با کابوس اعدام شکنجه شدم...

زیر شکنجه‌ها در زندان به قتل رسیدم... من زهرا بنی یعقوب در بازداشتگاه ستاد

امر به معروف و نهی از منکر شهر همدان زیر نظر بسیج زیر شکنجه و کشته شدم، من زهرا کاظمی در زندان زیر شکنجه کشته شدم... من ترانه موسوی، بعد از شکنجه و تجاوز جنسی، کشته و سوزانده شدم...

به دلیل تعرض‌ها و تجاوزهای گروهی وابستگان

حکومت در کوچه و خیابانها و بازداشتگاهها و زندانها و دفاتر کارشان به من شکنجه شدم... من ریحانه جباری در مقابل تجاوز جنسی از خودم دفاع کردم و اعدام شدم، من زهرا نوید پور در مقابل تجاوز جنسی دادخواهی کردم و خودکشی شدم...

بدینوسیله ما زنان و امضا کنندگان این نامه، برای چهارده خشونت، جنایت و شکنجه سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام شکنجه، خشونت و جنایت سازماندهی شده حکومتی علیه زنان اعلام دادخواهی و کیفرخواست کرده و خواهان محاکمه تک تک آمرین و عاملین چهار دهه زن ستیزی در ایران، در دادگاههای علنی و عادلانه بین المللی با نظارت مجامع مدافع حقوق انسانی هستیم.

مردم ایران، زنان ایران شایسته یک زندگی انسانی و یک جامعه آزاد و برابر و سکولار هستند و برای همین آرمان، در یک جدال طبقاتی و روزمره با وضعیت موجود و مسیبتن آن به مبارزه خود ادامه میدهند. لذا ما با مطرح کردن کیفرخواست زنان که برخاسته از دل جنبش نوین‌رهای زن و از مختصات یک انقلاب زنانه جاری در ایران است، با تمام قوا خواهان پایان دادن به بساط تحقیر و ظلم و ستم و شکنجه و خشونت و

جنایت و بیحقوقی زنان و این چرخه زن ستیزی هستیم.

۱۸ دی ۱۳۹۷

۸ ژانویه ۲۰۱۹

### فراخوان دهنده گان

شیرین شمس - از مسئولین انقلاب زنانه  
شیمابابی - فعال مدنی  
شعله پاکروان - مادر ریحانه جباری

مینا احدی - فعال حقوق انسانی، فعال حقوق زنان  
شاپرک شجری زاده - از دختران خیابان انقلاب  
شهناز اکملی - مادر مصطفی کریم بیگی  
کشته شده شش دی 88  
معصومه نعمتی - مادر آتنا دائمی زندانی سیاسی  
حسین دائمی - پدر آتنا دائمی

لیلا میرغفاری - فعال حقوق زنان  
شهین مهین فر - مادر امیرارشاد تاجمیر کشته شده شش دی ۸۸

شیوا گنجی - روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان  
مهتاب قربانی - نویسنده و شاعر و فعال حقوق بشر  
شیوا محبوبی - فعال

حقوق زنان و سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
مرسده قانندی - از فعالین جنبش دادخواهی و ایران تریبونال

سکینه باقری - از کمپین من هم شکنجه شدم

### لینک کیفرخواست برای

#### امضا و حمایت

<https://goo.gl/qTP3Qn>

\*لازم به ذکر است که این

فراخوان قبل از انتشار

فیلم افشاگری سپیده

قلیان از شکنجه‌های در

زندان تهیه و منتشر شد.

## آئین نامه انتخابات کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران مصوب هیئت اجرایی حزب (مه ۲۰۱۹)

- ۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگردد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.
- ۲- جمع نمایندگان کنگره ۱۴۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۱۰۰ نفر و سهمیه انتخابات محلی ۴۰ نفر است.
- ۳- شرکت اعضای حزب در انتخابات داوطلبانه است.
- ۴- رای گیری به صورت مخفی و از طریق اینترنت انجام میشود.
- ۵- در انتخابات سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند.
- ۶- در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به تعداد مساوی یا کمتر از تعداد سهمیه رای بدهند، اما رای دادن به تعداد بیشتر مجاز نیست. برکه های دارای آرای بیشتر از تعداد سهمیه باطل میشود.
- ۷- در صورتیکه در هر کدام از انتخاباتهای سراسری یا محلی تعداد آرای چند کاندید در ردیفهای مرزی برابر باشند همه کاندیداهائی که رای مساوی آورده اند به لیست نمایندگان همان انتخابات اضافه میشوند.
- ۸- در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای رای دهندگان است.
- ۹- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۱۰۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۱۰۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد آرا شدند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.
- ۱۰- در انتخابات محلی سهمیه هر واحد کشوری باین ترتیب تعیین میشود: تعداد نمایندگان منتخب انتخابات سراسری مقیم هر کشور از تعداد کل اعضای آن کشور کم میشود و سپس بر اساس تعداد اعضای باقیمانده تعداد سهمیه محاسبه میشود. سهمیه هر واحد حزبی در انتخابات محلی در نامه جداگانه ای باطلاح میرسد.
- ۱۱- اعتبارنامه امنیتی نمایندگان قبل از شروع کنگره باید تأیید شده باشد. هرکس خود را کاندید میکند، اگر قبلاً تأیید امنیتی نگرفته باشد، باید فرم مربوط به تأیید امنیتی سطح کادر را پر کند.

هیئت اجرایی حزب  
مه ۲۰۱۹،  
خرداد ۱۳۹۸

### در کنگره حزب کمونیست کارگری شرکت کنید!

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری در اکتبر ۲۰۱۹ برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر ۲۰۱۹ به طور علنی در آلمان برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنید.

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم درمورد کنگره حزب با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن  
تماس: 0046739868051  
markazi.wpi@gmail.com

کنگره فرصت مناسبی

## به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

### منصور حکمت و زمانه ما

در بزرگداشت منصور حکمت در هضدهمین  
سالگرد درگذشت او  
سخنران: حمید تقوایی

شنبه ۶ جولای

از ساعت ۲:۳۰ تا ۵:۳۰ عصر

نورت یورک سیویک سنتر، سالن شماره ۲،  
۵۱۰۰ خیابان یانگ، تورنتو



حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات  
شرق کانادا

تلفن اطلاعات: ۴۷۱۷۱۳۸ - ۴۱۶



## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از

منصور حکمت



از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از  
منصور حکمت

- ۱- حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی
- ۲- جنبش سلبی و اثباتی
- ۳- آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟
- ۴- این حزب شما است
- ۵- سخنرانی در گوتنبرگ سوئد

این مجموعه شامل مقالاتی از منصور حکمت است که مستقیماً به موضوع قدرت سیاسی و شیوه و مدل‌های کمونیسم کارگری برای تامین رهبری جامعه و کسب قدرت سیاسی مربوط می‌شود.

مقاله "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" اساس دیدگاه و مدل‌های کمونیسم کارگری برای کسب رهبری را اساساً در تمایز از نیروهای چپ غیر کارگری که در بهترین حالت بعنوان "گروه‌های فشار" عمل میکنند توضیح میدهد. نظریه حزب و جامعه سنگ بنای استراتژی حزب و پراتیک ما در تحولات سیاسی، در جنبش سرنگونی و در جنبشهای اعتراضی جاری در جامعه است.

مقاله جنبش سلبی و اثباتی، که موضوع یک سمینار شفاهی درون حزبی بود، به مدل‌های کمونیسم کارگری در برخورد به جنبش سرنگونی و انقلاب می‌پردازد. این بحث تازه و کاملاً متفاوتی از درک و شیوه سنتی چپ در برخورد به انقلابات است و نقش کلیدی ای در امر تامین هژمونی و رهبری کمونیستی انقلاب ایفا میکند.

مقاله سوم این مجموعه، "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" مشخصاً به تحلیل و بررسی جنبشهای سیاسی-طبقه‌ای جاری در ایران و نقاط ضعف و قوت هر یک در جامعه و امکان و توان آنها برای تامین رهبری و کسب قدرت سیاسی می‌پردازد. این نوشته نیز حاوی نکات مهمی در تعیین استراتژی کمونیستی در شرایط مشخص جامعه ایران است.

دو مقاله آخر متن اولین سخنرانی‌های علنی منصور حکمت در خارج کشور، در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ سوئد، است که بعداً در جزوه ای تحت نام "این حزب شماست" منتشر شد. این نوشته‌ها یک تصویر زنده و رادیکال و عمیق کمونیستی از رابطه کمونیسم و جامعه و آمل انسانیت توده مردم بدست میدهد و میتوان آنرا یک تبیین و تبلیغ و فراخوان کمونیستی جذاب و عمیق مبتنی بر دیدگاه و نظرانی دانست که در سه نوشته بالا توضیح داده شده است. بجز مقاله حزب و جامعه نوشته‌های دیگر همه سمینارها و سخنرانی‌های منصور حکمت است که بعد از درگذشت او کتبی شده است. اودیوی این مطالب نیز در سایت منصور حکمت قابل دسترسی است.

مجموعه این نوشته‌ها معرف یک دیدگاه و سیستم فکری است که یک خود ویژگی کمونیسم کارگری در شیوه دخالتگری در تحولات انقلابی و تامین هژمونی کمونیستی است. اشراف و اتکا به این دیدگاه و عملکرد به آن بخصوص در شرایط حاضر که تحولات زیر و روکننده ای در راه است جایگاه و اهمیت ویژه ای پیدا میکند. مطالعه مجدد و تعمق در مورد این نوشته‌ها را به همه فعالین حزبی و به همه کمونیست‌هایی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی کمونیسم در ایران هستند توصیه میکنم.

حمید تقوایی

۱۰ جون ۲۰۱۹، ۲۰ خرداد ۱۳۹۸



این کتاب در حال حاضر بصورت آنلاین در سایت‌ها و صفحات حزب کمونیست کارگری قابل دسترسی است. بزودی به چاپ میرسد و علاقمندان میتوانند از طریق واحدهای حزب کمونیست کارگری آنرا تهیه کنند.